

David Rothkop

میثم اللهیاری ۲

در ستایش امپریالیسم فرهنگی

تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ

ثمر خواهند بود. بنابراین، ممکن است شما کسی باشید که یا از این تغییرات سود می‌برید و یا متضرر می‌شوید، اما تصور این که گروه خاصی بستواند از این تغییرات آسیب نبیند غیر ممکن است. «جهانی شدن» مبانی اقتصادی و سیاسی دارد؛ ولی، بشدت نیز بر قدرت فرهنگی در محیط جهانی متمرکز شده است. قدرتی که نقش بسزایی در به هم پیوستن یا از هم گسیختن ملل، ایفا می‌کند. تأثیر جهانی شدن در فرهنگ و نقش فرهنگ در جهانی شدن بسیار جای بحث دارد. البته، یکنواخت سازی که از جهانی شدن حاصل می‌شود، به حقیقت تأثیر مثبت دارد؛ هر چند اغلب، ملی‌گرایان جدید و آرمانگرایان فرهنگی آن را محکوم می‌کنند. همچنین جهانی شدن وحدت را تقویت کرده به تنها موانع فرهنگی را برطرف می‌سازد بلکه بسیاری از ابعاد منفی فرهنگ را نیز از بین می‌برد. جهانی شدن گام مهمی به سمت جهانی‌بالمبالات تر با انسان‌ها می‌مرفه می‌باشد. البته، این موضوعات عوارضی جدی برای سیاست خارجی آمریکا در بردارد. برای ایالات متحده، باید هدف اصلی سیاست خارجی عصر اطلاعات^۱ پیروزی در نبرد با جریانهای اطلاعاتی جهان باشد و نیز باید به همان صورتی که روزی بریتانیای کبیر بر دریاهای حکومت می‌کرد، بر امواج اطلاعاتی مسلط گردد.

فرهنگ و تعارض^۲

فرهنگ یک پدیده ایستا نیست؛ وقتی که جامعه بطور

دروازه های جهان در حال بسته شدن هستند. از روی بالکنهای مرمرین نتاثرها تا بر روی امواج، رهبران عوام فریب تخریب فرهنگهای باستانی و ارزشهای سنتی را محکوم می‌کنند. ماهواره ها، اینترنت و جامبو جتها می‌توانند تأثیر مخرب داشته باشند، برای بسیاری از مردم "بیگانه" مترادف با "خطر" شده است. البته، این اولین باری نیست که آوای ملی‌گرایی به گوش می‌رسد. اما روند روزافزون ملی‌گرایی در جهان امروز، منحصر به فرد است. این غوغای ملی‌گرایی عکس العملی است به یک جانشین جهانی که سعی بر خنثی سازی فرهنگها دارد و البته این امر چیزی فراتر از رویای یک انسان خیالیاف است. همچنین برای اولین بار در تاریخ، تمام افراد در هر طبقه‌ای از اجتماع که باشند، می‌توانند از نفوذ این

تغییرات با خبر شده، حتی در رسانه های گروهی، آن را ببینند و بشنوند. برای کسانی که از این تغییرات وحشت دارند، رشد یکبار چگی جهانی کار، تهدیدکننده و باورنشدنی است که در دهه آینده اتفاق خواهد افتاد و تقریباً دو میلیارد کارگر را از بازارهایی که در حال شکل گیری است، جذب می‌کند و اخیراً فقط در همان بازارها، نزدیک به یک میلیارد افراد بیکاری که هنوز استخدام قطعی نشده اند را شامل می‌شود. این افراد، تنها جزئی از درآمدی را که دیگر همتهایشان در کشورهای پیشرفته به دست می‌آورند، کسب خواهند کرد؛ همچنین در آینده در حاشیه قرار گرفته و کمتر مثر

انگیزه سردبیر

یادداشت سردبیر: انگیزه چاپ این مقاله که از سوی سرپرست مؤسسه کسینجر و وزیر تجارت وقت دوره ریاست جمهوری کلینتون نوشته شده است نشان دادن بخشی از لایه‌های پنهان پدیده استعماری جهانی شدن است و طبعاً مفاد آن مورد پذیرش فصلنامه نیست.

نظام مندی برای آداب و رسوم انتخابی حرمت قابل می شود، بتحقیق فرهنگ نیز رشد پیدا می کند. البته، سومین لغتنامه بین المللی و بستر^{۱۳} فرهنگ را این گونه معنا می کند: "الگوی کلی رفتار انسان که اثرات آن در گفتار، رفتار و مصنوعات هویدا ست و این الگو بستگی به استعداد یادگیری انسان و انتقال دانش به نسلهای آینده دارد." زبان، مذهب، سیستمهای قانونی و سیاسی، آداب و رسوم اجتماعی در واقع در میدان برخورد افکار مختلف شکل گرفته اند و یا حتی ممکن است آنها در طول سالیان دراز با روندهای تلقینی، مقبولیت عامه پستند پیدا کرده و یا با پیروی کورکورانه از شیوه های قدیمی به وجود آمده باشند. فرهنگ به وسیله سازمان دهندگان جامعه - سیاستمداران، تئوری پردازان، محققین و خانواده ها - برای نظم دادن به آن مواردی که به فراخور نیاز، تغییر پیدا می کنند، به کار می رود. فرهنگ کمتر به عنوان وسیله ای برای توجیه ظلم و جنگ، پذیرفته می شود. با وجود این، حتی یک مطالعه تصادفی و گذرا در تاریخ تعارضات، می تواند بخوبی مشخص سازد که چرا ساموئل^{۱۴} هانتینگتون در نظریه ای که به عنوان "برخورد تمدنها"^{۱۵} ارائه کرده است، تعارض را عامل جدا کننده فرهنگها می داند. تعارضات و اختلافات فرهنگی، چه از بعد معنوی و چه از بعد تاریخی، اغلب با ارتباط دادن آنها به ریشه های معنوی فرهنگ، رنگ تقدس و پاکی به خود می گیرند. بنابراین، تعرض به فرهنگ هر شخص، به منزله تعرض به خدا یا به نیاکان و بطور کلی تعرض به هویت آن شخص تلقی می شود. این روند وحشتناک برای توجیه بسیاری از بدترین اعمال غیر انسانی به کار می رود.

تعارضات فرهنگی در سه مقوله کلی اتفاق می افتند: جنگ مذهبی^{۱۶}، تعارض نژادی^{۱۷} و تعارض بین "پسرعموهای فرهنگی"^{۱۸}؛ این تعارضات، نمایانگر دشمنی تاریخی بین فرهنگهایی است که علاوه بر داشتن اختلافات عمده، اهداف مشترکی نیز دارند. البته، این تعارضات درباره موضوعاتی فراتر از مسایل همسایگی مثل نزاع بر سر منافع می باشد.

"تعارضات مذهبی" مانند اختلافات بین مسلمانان و مسیحیان، یهودیان و مسیحیان، مسلمانان و یهودیان، هندوها و مسلمانان، صوفیان و سنیان، پروتستانها و کاتولیکها و غیره در زمینه مذهب می باشد. تعارضات فرهنگی ناشی از اختلافات قومی (در بعضی موارد مذهبی) بین چینها و ویتنامها، چینی ها و ژاپنی ها، چینی ها و مالزیایی ها، نورمنها و ساکسونها، اسلاوها و ترکها، ارمنی ها و آذربایجانی ها، ارمنی ها و ترکها، یونانی ها، روسها و چچنی ها، صربها و بوسنیایی ها، سیاهان و آفریقایی ها، سیاهان و سفیدپوستان، پارسیان و اعراب و می باشند و تعارضات بین "پسرعموهای فرهنگی" اختلافی است که بر سر منابع یا قلمرو سرزمین

بین بریتانیا و فرانسه، فرانسه و آلمان، لیبی و مصر و بسیاری دیگر از کشورها اتفاق افتاده است.

مقوله دیگری که ممکن است در این طبقه بندی قرار گیرد، تعارض شبه فرهنگی^{۱۹} "می باشد و این تعارض معمولاً مربوط به ایدئولوژی است که ریشه عمیقی برای جای گیری در قالب معانی استاندارد فرهنگ، ندارد. ولیکن این تعارض تا حدود زیادی ویژگیهای تعارضات فرهنگی را از خود نشان می دهد. بهترین مثال در این مورد "جنگ سرد"^{۲۰} می باشد که تعارضی بین فرهنگهای سیاسی به وسیله حامیان با اصطلاحات فرهنگی واضحتری بیان شده است و مانند "کمونیستهای ضدخدا"^{۲۱} در مقابل "سرمایه داران هرزه"^{۲۲}.

در این میان، اختلافات مربوط به نقش فرد در حکومت و نیز با تقسیم درآمد، برخورد تمدنها^{۲۳} را به وجود آورد که دارای منشأ نسبتاً جدیدی بود.

سرانجام، برای آگاهی از میزان خسارتها و تلفاتی که چنین تعارضاتی در پی داشته اند، کافی است به نسل کشی قرن بیستم توجه شود. در هر مورد، رهبران از فرهنگ برای ایجاد تحرک در بین سربازان و دیگر مزدورانشان و

همچنین برای توصیه اعمال خود در بین مردم، بهره گرفته اند. یک میلیون آمریکایی، "دهها میلیون روسی" ده میلیون یهودی، کرلی و همجنس باز، سه میلیون کامبوجی، و صدها هزار بوسنیایی، رواندایی و تیموری، همگی قربانیان "فرهنگ" بوده اند اعم از این که تعارض بوسیله اختلافات نژادی، مذهبی، ایدئولوژیکی، قبیله ای یا ملی گرای به وجود آمده باشند. همچنین این رهبران برای اطمینان، علل این جنایتها را عوامل دیگری عنوان می کنند. اما عناصر محرک فرهنگی این عوامل را همراهی می کنند. همان گونه که "جوزف گوبلز"^{۲۴} "هیتلر"^{۲۵} را همراهی می کرد و شاید نیز، بزرگترین شریک جرمش بود. البته، ممکن است تاریخ شناسان بتوانند نمونه هایی

را در آمریکای غربی، در بین قبایل محلی آمریکا و آفریقا، در طول تفتیش عقاید و نیز در طول توسعه فراگیر امپراتوری ها، به دست آورند که در آنها فرهنگهای برتر، رقبای پست تر خود را از بین می بردند.

ماهواره ها به عنوان ستارگان مرگ فرهنگی^{۲۶}

منتقدان جهانی شدن مدعی اند که این فرایند به تھی کردن هویت و شبیه سازی تدریجی منجر می شود، مانند جهان اورولی^{۲۷} البته، تحقق این امر در سیاره شش میلیاردی غیر ممکن است. علاوه بر این، کاهش اختلافات فرهنگی می تواند معیاری برای پیشرفت تمدن و نشانه ملموسی از ارتباطات و تفاهم سطح بالاتر باشد. جوامع موفق چند فرهنگی^{۲۸}، متشکل از اقوام، اتحادیه ها،

رهبران از فرهنگ برای
ایجاد تحرک در بین
سربازان و دیگر
مزدورانشان و همچنین
برای توصیه اعمال خود در
بین مردم ، بهره گرفته اند .

و دیگر آمیزه هایی که ارتباط نزدیکی با دیگر جوامع دارند، جنبه هایی از فرهنگ که تهدیدی علیه ثبات، اتحاد، رفاه (از قبیل: دسترسی به غذای مناسب، تعطیلات، مراسمهای عبادی و موزیک) تلقی نمی شود را تمیز داده و به آنها اجازه شکوفایی و رونق می دهند. اما آن جوامع، بیشتر با عناصر مخرب فرهنگی (بویژه با جنبه های مذهب، زبان و عقاید سیاسی - ایدئولوژیکی) مقابله می کنند و آنها را نابود می سازند. تاریخ نشان می دهد که از بین بردن فاصله های فرهنگی و ایجاد مکانهایی با افراد ناهمگون با نیازهای جدی به ساختارهای اجتماعی، قوانین و مؤسسات، فرهنگ را

توسعه داده است. از این گذشته، تاریخ تجربیاتی از چند فرهنگ گرایی در کشورهای آفریقای جنوبی، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا را نشان می دهد که مدل های تلفیقی عملی هر چند کامل نیستند ولی وجود دارند. هر کدام از آنها بر اساس تأکید بر تسامح، تساهل و مدارا برای رفاه اجتماعی، شکل گرفته اند. اما، به هر تقدیر هر کدام از این دسته جوامع، گاهی به علت تعصب و اصرار بیش از حد بر روی اختلافات فرهنگی آسیب دیده اند. مصلحت عمومی، حذف و نابودی این

مشخصات فرهنگی را ایجاد می کند، زیرا این خصوصیات فرهنگی باعث افزایش تعارض و جلوگیری از همدلی و توافق می گردد. البته، اگر این اختلافات جنبه شخصی داشته باشند و کمتر باعث ایجاد تفرقه شوند، در جامعه حفظ خواهند شد.

تحقق چنین مدل های تلفیقی در مقیاس جهانی در آینده ای نزدیک، دور از ذهن است و قرن ها طول می کشد. همچنین صرفاً از طریق تصمیمات عقلایی برای اجرای دقیق سیاستها و برنامه های اتخاذ شده، تحقق نخواهد یافت. به عبارت دیگر، امروزه جهانی شدن معنای وسیعتری پیدا کرده و آشنایی گروه های مجزا با یکدیگر و سپس اتحاد و یکپارچگی آنها به این فرایند سرعت می بخشد. بطور غیر قابل اجتنابی، ایالات متحده آمریکا، رهبری این دگرگونی را بر عهده گرفته است. در سالهای اولیه عصر ارتباطات، ایالات متحده یک ملت اجتناب ناپذیر^{۲۲} در مدیریت امور جهانی خواهد بود و نیز تولید کننده اصلی خدمات و محصولات اطلاعاتی محسوب خواهد شد.

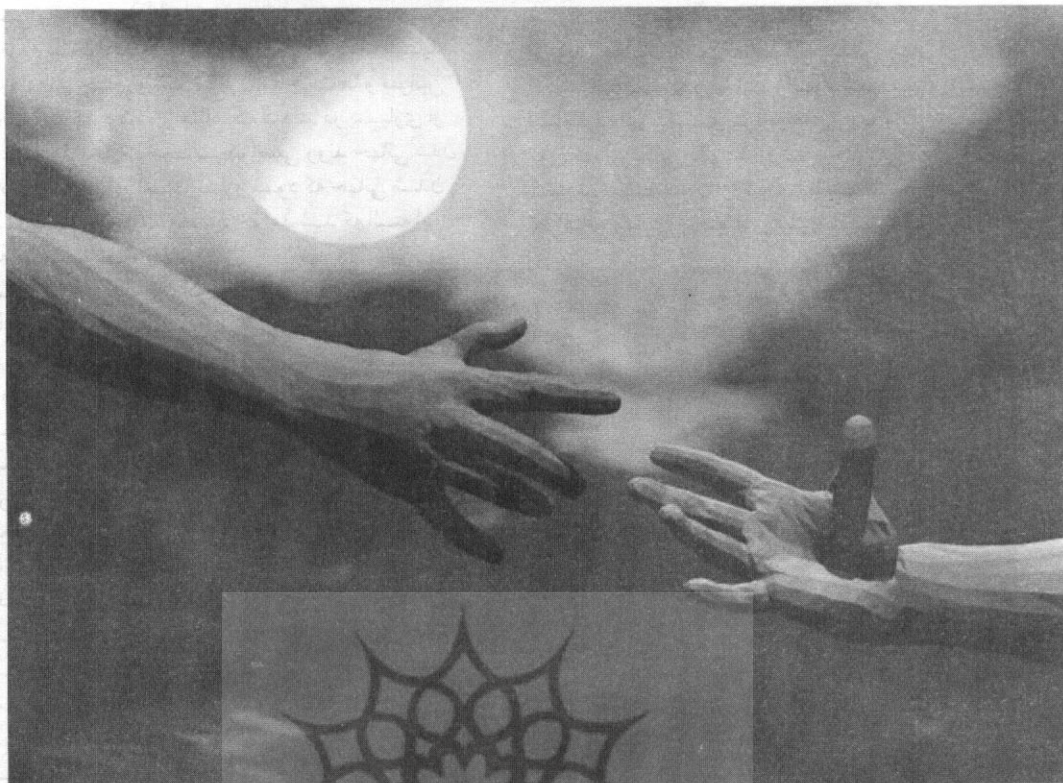
هدایتگران روند سریع جهانی شدن، در حال بهبود روشها و سیستمهای حمل و نقل بین المللی، ابداع خدمات و فن آوریهای جدید و بنیادین اطلاعات و نیز

تسلط بر تجارت خدمات و افکار در جهان هستند. سبکهای زندگی، مذهب، زبان و هر مؤلفه دیگر، فرهنگ را تحت تأثیر قرار می دهد. درباره نقش فن آوریها و خدمات اطلاعاتی در این فرآیند، مطالب زیادی نوشته شده است. امروزه، پانزده شرکت بزرگ مخابراتی مانند غولهای "Motorola" و "Loral space & Communication" و "Teledesic"، طرحهایی رقابتی برای تسخیر جهان به وسیله ماهواره ها، ارائه کرده اند که هر فردی را قادر می سازد بدون نیاز به وجود ایستگاه مخابراتی در نزدیکی فرستنده و گیرنده به هر نقطه ای از جهان ارتباط برقرار نماید.

(مثلاً "Loral" هزینه این تماس را تقریباً دقیقه ای ۳ دلار تعیین کرده است) فن آوری، فقط در حال متحول کردن جهان نیست، بلکه در حال خلق استعاره های^{۲۳} خود است. در حال حاضر ماهواره ها، سیگنالهای تلویزیونی را حمل کرده و به همه مردم جهان میزان وسیعی از محرکهای فرهنگی ارائه می کند. روسی ها، به دیدن اپراهای "Latin soap" عادت کرده اند، رهبران خاورمیانه حتی برای شنیدن اخبار داخلی هم به شبکه "CNN" به عنوان منبع اصلی خبر استناد می کنند. اینترنت یک رویداد جهانی است که بطور روز افزون در حال گسترش در تمام قاره های جهان می باشد.

آمریکا بر تبادل جهانی عقاید و اطلاعات مسلط است؛ مثلاً موزیک، سینما، تلویزیون و نرم افزارهای آمریکایی خیلی با نفوذ و پرطرفدار بوده و نیز در دسترس همگان قرار دارند. و بر خواسته ها، شیوه زندگی و آرمانهای هر ملتی تأثیر می گذارند. در برخی کشورها، آنها به عنوان وسایل گمراه کننده به حساب می آیند. دو کشور فرانسه و کانادا، قوانینی را مبنی بر منع انتشار برنامه های ماهواره ای بیگانه (منظور آمریکایی) گذاشته اند. بنابراین، نباید تعجب کرد که در بسیاری از کشورهای دیگر مانند ایران بنیادگرا، چین کمونیست و جامعه متمرکز مثل سنگاپور، دولت های مرکزی بشدت به دنبال محدود کردن نرم افزارها و برنامه های در حال ورود به کشورهایشان باشند. اصلی ترین هدف آنها ممانعت از ورود برنامه های آمریکایی و دیگر دیدگاههای سیاسی بیگانه می باشد که در برخی از قسمتهای خاورمیانه به "آلودگی خبری"^{۲۴} شهرت یافته است. در این کشورها، کنترل رسانه جدید در اولویت قرار دارد؛ چرا که این رسانه باعث ارتباط نامحدود این کشورها با جهان خارج می گردد. سنگاپور می خواهد به منظور حذف برنامه های ضد اخلاقی، تمام اطلاعات و برنامه هایی که روی شبکه اینترنت قابل دسترسی هستند پردازش کند. نیز گروهی را به نام

هدایتگران روند سریع جهانی شدن، در حال بهبود روشها و سیستمهای حمل و نقل بین المللی، ابداع خدمات و فن آوریهای جدید و بنیادین اطلاعات و نیز تسلط بر تجارت خدمات و افکار در جهان هستند.



State "central leading group" با نظارت "planing commission" و سرپرستی مستقیم معاون نخست وزیر، مأمور قرار دادن سیستمی مشابه برای حذف برنامه های مستهجن کرده است.

این دولتها، جانشینان "King Canute" هستند، پادشاهی بدنام که تخت خود را بر حاشیه دریا نهاد و به امواج امر کرد که به عقب برگردد. اتحادیه شوروی چون جامعه ای بسته بود، نتوانست با عصر اطلاعات مقابله کند و از هم فروپاشید. این کشورها کاری بهتر از این نمی توانند انجام دهند. کافی است که آنها به نخبگان خود توجه کنند تا این حقیقت را دریابند. در حالی که در چین استفاده از دیشه های ماهواره برخلاف مقررات است؛ اما تقریباً یک پنجم اهالی شهر "Beijing" و نیمی از مردم شهر "Guangzhou" به

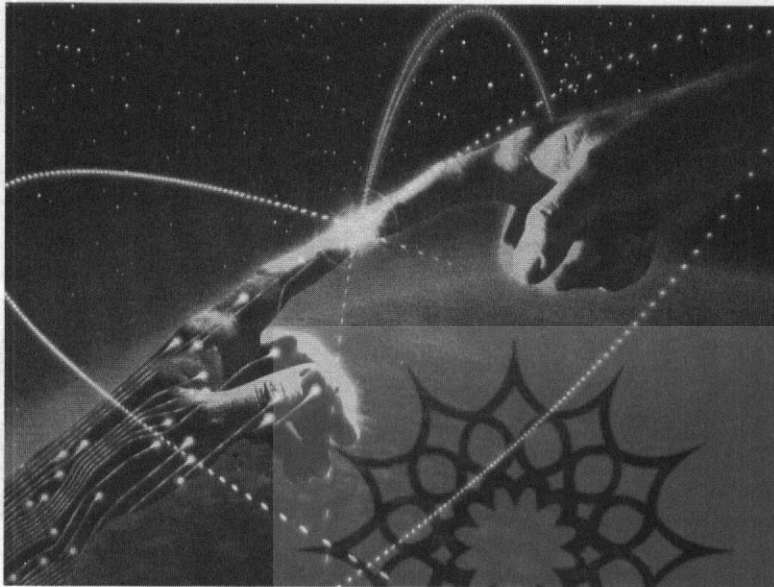
اتحادیه شوروی چون جامعه ای بسته بود و نتوانست با عصر اطلاعات مقابله کند و لذا از هم فرو پاشید .

برنامه های ماهواره ای دسترسی دارند. سنگاپور، مرکز ترانزیت آسیای جنوب شرقی، کانونی در شبکه جهانی مراکز تجارتي است که در آنجا تقریباً نخبگان در سطح یکسانی زندگی می کنند. رهبران تجارت در

کشورهایی مانند: بوینس آیرس، فرانکفورت، هنگ کنگ، ژوهانس بورگ، استانبول، لوس آنجلس، مکزیکوسیتی، مسکو، دهلی نو، نیویورک، پاریس، روم، سانتیاگو، سنول، سنگاپور، تل آویو و توکیو همگی روزنامه های یکسانی می خرنند، لباسهای یکسانی می پوشند، ماشینهای یکسانی سوار می شوند، غذاهای مشابهی می خورند، با هواپیماهای مشابهی مسافرت می کنند، در هتلهای مشابهی اقامت می کنند و به موزیکهای مشابهی گوش فرا می دهند در حالی که مردم کشورهایشان بوسیله فرهنگهای خاص خود، همچنان جدا از هم باقی مانده اند، آنها به این نتیجه رسیده اند که به منظور رقابت در بازار جهانی باید از فرهنگ آن پیروی نمایند.

بازار جهانی از راه ایجاد یک سری نهادهای چند جانبه که قوانین معمول را برای تجارت بین المللی تدوین می کنند، سازماندهی می شود. اگر بخواید سرمایه بطور آزادانه گردش داشته باشد، باید قوانین آشکار سازی، شیوه های پرداخت و جبران خسارات با هم هماهنگ کردند. اگر کالاها بدون هیچ گونه مانعی بخواهند حمل و نقل شوند، باید قوانین تعرفه، استانداردهای گمرکی،

مشترک از بین می روند - از منافع کلی آمریکا به حساب می آید. اطمینان از این که زبان همگانی جهان در آینده انگلیسی بوده و مخابرات، سیستمهای ایمنی، استانداردهای کیفیت و برنامه های رادیو و تلویزیونی و موزیک، آمریکایی بشود و ارزشهای متداولی که در حال گسترش هستند همان ارزشهای مناسب آمریکا باشند، از نظر منافع سیاسی و اقتصادی برای ایالات متحده اهمیت



فراوان دارد. اینها صرفاً آرزوهای بی اساسی نیستند. زبان انگلیسی پیوسته همه جهانیان را به هم پیوند می دهد. فناوریهای اطلاعاتی آمریکا بزرگترین زمینه ساز جهانی شدن می باشند. دستیابی به بزرگترین مرکز اقتصاد جهانی (اقتصاد آمریکایی) محرک اصلی دیگر کشورها به بازگشایی بازارهایشان است.

بدون شک، همانطور که ایالات متحده یگانه ابرقدرت نظامی باقی مانده در جهان است، تنها ابرقدرت اطلاعاتی جهان نیز می باشد. با وجودی که ژاپن در تولید اجزاء و مکمل سیستمهای اطلاعاتی تقریباً بدون رقیب شده

است، اما از لحاظ تولید نرم افزار یا نیروی پشتیبان انقلاب تکنولوژیکی، تأثیر چندانی ندارد. اروپا در هر دو زمینه شکست خورده است. نتیجه این که آمریکا موقعیت ممتازی را در حال حاضر به دست آورده و در آینده ای نزدیک نیز در این زمینه موقعیت بهتری خواهد داشت. سیاست واقعی عصر اطلاعات، قرار دادن استانداردهای تکنیکی، تعیین استانداردهای نرم افزاری، تولید بیشترین محصولات اطلاعاتی عامه پسند و هدایت پیشرفتهای مربوط به تجارت جهانی

ایمنی و برجسب استانداردها متوازن باشند و همچنین اگر مردم بخواهند به آسانی تجارت کنند، باید قراردادهای حمل و نقل، کنترل مهاجرت ها و قوانین تجارت استاندارد شده و هماهنگ گردند. در بسیاری از جنبه ها، تجارت محرک اصلی روند جهانی شدن می باشد؛ اما ممکن است تصور شود که جهانی شدن فقط به موضوع تجارت محدود خواهد شد که البته این

گونه نیست؛ مثلاً در سیاست، در حالی که سازمانهای بین المللی به فکر هماهنگ سازی سیاست درباره موضوعات جهانی از قبیل: تجارت، محیط زیست، بهداشت، توسعه و مدیریت بحران می باشند؛ جامعه ای متشکل از دیوانسالارهای بین المللی پدید می آید. این بازیگران عرصه سیاست، به همان راحتی که در خانه هستند، در محیط بین المللی نیز عمل می نمایند و در سازمانهایی که این افراد بطور مؤثر در آنها دخالت دارند، استانداردهای جهانی و انتظارات بین المللی را به

منظور تسریع روند جهانی شدن، نهادینه می سازند. جامعه ملل نیز روز به روز بیشتر چنین نهادهای چند ملیتی را - که با مقتضیات زمان به وجود می آیند - می پذیرد. با آنکه این پذیرش، مستلزم تشخیص این مطلب است که سببهای اصلی هویت ملی (استقلال) باید بطور محدود در اختیار این سازمانها قرار بگیرد. البته به نظر می رسد که آمریکا با این روند مشکلاتی دارد. به عنوان مثال، ایالات متحده قبلاً به فکر ایجاد سازمان تجارت جهانی^{۲۵} بوده است و اکنون با عقب نشینی مستبدانه

از تلاشهای خود مبنی

بر کاهش اثرات لایحه «Hekms-

Burton» به کارایی و اثربخشی

خود در این سازمان لطمه وارد می سازد. هنوز این شناخت که منافع بالاتر از منافع ملی وجود دارد، گام مهمی در رسیدن به جهانی آرامتر و آماده تر تلقی می شود.

به سوی یک فرهنگ جهانی^{۲۵}

حمایت از گسترش جهانی - که در آن اختلافات جداکننده ملل با منافع

اطمینان از اینکه زبان همگانی جهان در آینده انگلیسی بوده و مخابرات، سیستمهای ایمنی و برنامه های رادیو و تلویزیون و موزیک آمریکایی بشود از نظر منافع سیاسی و اقتصادی برای ایالات متحده اهمیت فراوان دارد .



خدمات می باشد؛ که البته این امور به همان اندازه ای که برای حمایت از امپراتوری و یا انقلاب صنعتی لازم بودند برای سعادت و پیروزی هر رهبر آینده، حیاتی و ضروری اند.

تثبیت زیربنای جهانی اطلاعات برای رهبر اطلاعات جهان فقط فرصت اقتصادی به حساب نمی آید. گسترش قوانین حاکم بر این زیر بنا، قطعاً ماهیت سیاستهای جهانی را شکل خواهد داد.

سرمایه گذاری اقتصاد، بطور سرسام آوری در حال توجه به سرمایه گذاریهای هنگفتی است که در طول ۱۰ سال آینده برای زیربنای اطلاعاتی جهان^{۲۷} در نظر گرفته خواهند شد. دولت آمریکا پیش بینی کرده است که سرمایه گذاری مخابراتی در این دوره، فقط در آمریکای لاتین بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار خواهد بود. چین و کشورهای عضو آ-س-آن^{۲۸} مبلغی مشابهی را هزینه خواهند کرد. در حقیقت، انتظار می رود که بازار خدمات مخابراتی در اوایل قرن حاضر بیش از یک تریلیون دلار گنجایش داشته باشد. در طول دهه آینده نه تنها مبالغ هنگفتی برای تثبیت شبکه های جهانی در

مورد اطلاعات کدگذاری شده اتخاذ خواهد شد؟ (چرا که این نوع اطلاعات نه تنها امنیت اطلاعات بازار را تحت تأثیر قرار می دهند بلکه بر جریان آزاد افکار و حقوق افراد در عصر اطلاعات تأثیر می گذارند.)

تثبیت زیربنای جهانی اطلاعات برای رهبر اطلاعات جهان فقط فرصت اقتصادی به حساب نمی آید. گسترش قوانین حاکم بر این زیر بنا، قطعاً ماهیت سیاستهای

جهانی را شکل خواهد داد، چه این قوانین، تشدیدکننده یا تضعیف کننده آزادی و چه کند کننده یا تسریع کننده وحدت، تفاهم و تسامح و تساهل در سرتاسر جهان باشند. ماهیت روابط فردی و ملی متحول خواهد شد. آن کابلها، برجهای مخابراتی و پرتوهای نامرئی سیگنالهای الکترونیکی که در حال تسخیر جهانند، چارچوب تمدن آینده را تشکیل خواهند داد.

حمایت از گسترش جهانی که در آن اختلافات جدا کننده ملل با منافع مشترک از بین می روند از منافع کلی آمریکا به حساب می آید.

بنابراین، از لحاظ سوق الجیشی، پیش از این اهمیت ندارد که آمریکا هر آنچه در توان دارد برای پیشرفت این زیربنا، قوانین حاکم بر آن و اطلاعات گذرنده از آن انجام دهد. بیش از این حتی اگر به میزان زیادی از فرایند پیشرفت (آنچه که می توانیم آن را "فضای سایر"^{۲۹} بنامیم) بر عهده بازار باشد، (که باید این گونه نیز باشد) باز هم دولتها، عناصر مهم آن را کنترل خواهند کرد. دولتها در دهه آینده بسیاری از بزرگترین قراردادهای پیشنهادی برای پیشرفت زیربنا را واگذار خواهند

کرد؛ همچنین برخی از دولتها به منظور کمک به شرکتهای ملی خود در برنده شدن در



نظر گرفته خواهد شد - که رئیس جمهور آمریکا، کلینتون آن را به "زیربنای اطلاعاتی جهان" تعبیر کرده است - بلکه برای پی ریزی سیستمی که انتخابهای دهه آینده را در زمینه ارتقا سیستمهای استاندارد، خریدهای نرم افزار و خدمات رقم خواهد زد، پرداخت خواهد شد. در همین زمان قوانین بین المللی و ملی ای نوشته می شوند و تعیین خواهند کرد که چگونه تولیدات اطلاعات و خدمات به آرامی از بازاری به بازار دیگر جریان می یابند؟ چه گامهایی برای اطمینان از آزادی تجارت اینترنتی برداشته خواهد شد؟ چه تصمیماتی در

این قراردادهای تلاش کرده و مقامات دولتی نیز برای تصمیم گیری درباره قوانین تجاری با هم مشورت خواهند کرد چرا که این قوانین بر نقل و انتقالات بین المللی در بازارهای جهانی با استفاده از تکنولوژی ارتباط از راه دور، محیط ناظر جهانی، استانداردهای کدگذاری، استانداردهای خصوصی، حفاظتهای هوشمند اموال، و استانداردهای بنیادین تجهیزات، حاکم می باشند. باز و یا بسته بودن این بازارها و اینکه چه میزانی از سرمایه ها برای سودآور کردن این تکنولوژیها در بازارهای ضعیف به منظور کمک به خنثی سازی

اطلاعات نادرست در نظر گرفته خواهد شد، از سوی دولت‌ها تعیین می‌گردند. اکنون بعضی از میانجیگری‌های دولت‌ها در این بازار، شکست خورده است. جالب توجه است که تلاش‌های ژاپن در شکل دادن به توسعه استانداردهای تلویزیونی "High-Definition" آن کشور را در مسیری قرار داده، گویی که تبدیل به مسابقه دیجیتال گردیده است. هنوز زمینه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد نقش اصلی برعهده دولت‌ها بوده و نیز مواردی وجود دارد که آمریکا باید یک سیاست فراگیر، دقیق و سلطه جویانه برای رقابت داشته باشد.

صادرات مدل آمریکایی^{۳۰}

بسیاری از محققان معتقدند که استفاده از فرصت فراهم آمده به وسیله انقلاب جهانی اطلاعات، برای برتری دادن فرهنگ آمریکایی بر سایر فرهنگ‌ها، امری ناخوشایند است. اما این نسبی‌گرایی به همان اندازه که نادرست

آمریکا باید یک سیاست فراگیر، دقیق و سلطه جویانه برای رقابت داشته باشد. آمریکا نباید از انجام آنچه که در منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی خودش می‌باشد دست بردارد.

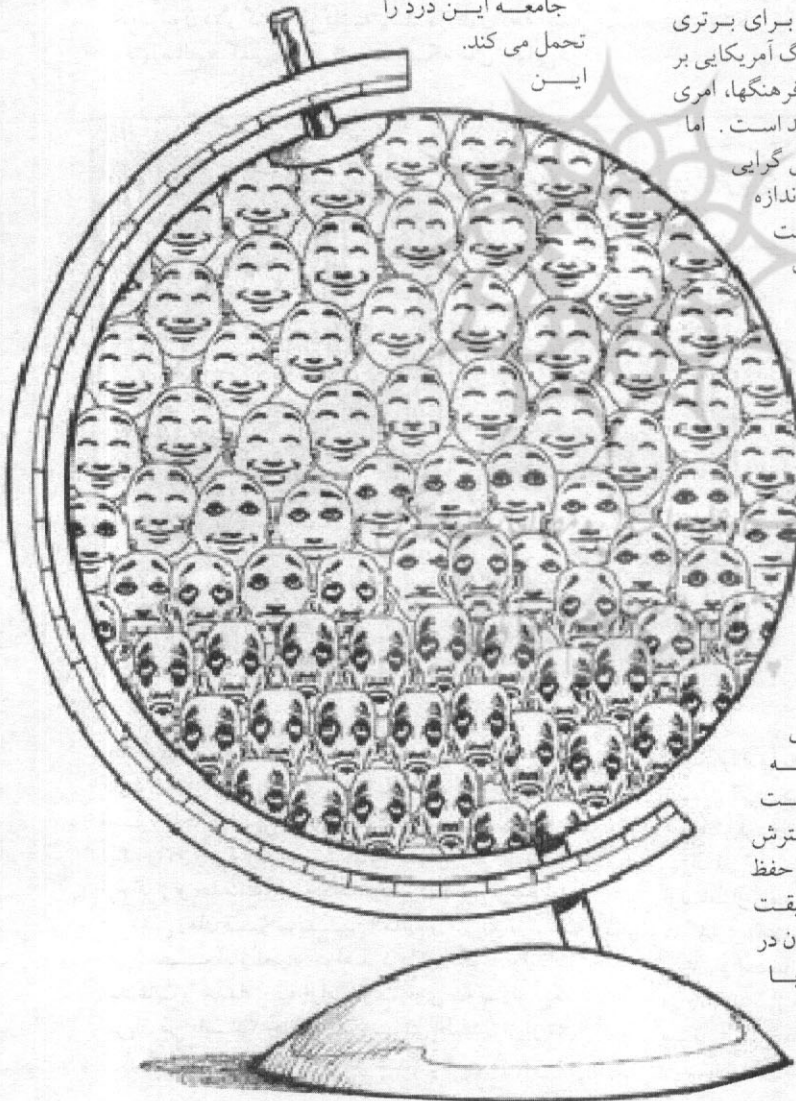
است، خطرناک نیز می‌باشد. فرهنگ آمریکایی بطور اساسی از فرهنگ‌های بومی دیگر متفاوت است. فرهنگ آمریکایی ترکیبی از نگرش‌ها و عوامل مؤثر از اطراف جهان می‌باشد. در بسیاری از موارد، فرهنگ آمریکایی بطور آگاهانه به اعتدال اجتماعی رسیده است که می‌تواند آزادی‌های فردی را مجاز شمارد و به فرهنگ‌های دیگر اجازه رواج و رونق دهد. با توجه به آنچه گفته شد، آمریکا نباید از انجام آنچه که در منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی خودش می‌باشد و نیز از آنچه که به

میزان زیادی به نفع جهان است، دست بردارد. ایالات متحده نباید در ارتقاء و گسترش ارزش‌های خود تردید نماید. حتی به خاطر حفظ احترام یا سیاست، آمریکائیان نباید این حقیقت را کتمان کنند که در میان تمام ملل جهان در طول تاریخ، فرهنگ آن‌ها عادلانه‌ترین و با تسامح‌ترین فرهنگ‌ها می‌باشد و بهتر از فرهنگ‌های دیگر خود را اصلاح می‌کند. بنابراین فرهنگ آمریکایی

بهترین الگو برای آینده است. همچنین نباید تحت تأثیر حملات افرادی چون "لی کوان" رئیس‌جمهور سنگاپور و "مهاتیر محمد" رئیس‌جمهور مالزی قرار بگیرند. همان کسانی که از یک روش آسیایی ابراز عقیده کرده و ادعا می‌کنند که غیر آسیایی‌ها حق قضاوت در مورد آن را ندارند و با آن روش امکان تصمیم‌گیری برای همه امور که در آینده انجام خواهد شد، وجود داشته باشد. این گونه مجادلات فقط شعارهای سیاسی بوده که به نفع خودشان سر می‌دهند. خیر و شر، خوب و بد در این جهان در کنار هم قرار دارند. عدم تشخیص این حقیقت، خودکامگی و هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و معنوی را در بر خواهد داشت.

استبداد قابل دفاع نیست هر چند که از سنت کنفوسیوسی یا مسیحیت "Judeo" یا زرتشتی برآمده باشد. خرد سرکوب شده در رنج است همان گونه که جامعه این درد را تحمل می‌کند.

این



ایالات متحده

مسأله عواقب منفی برای جامعه جهانی به دنبال دارد. هزینه‌های واقعی این پدیده شامل:

۱- خلاقیت انسانی محدود خواهد شد.

۲- در پیشرفت بازار وقفه بوجود خواهد آمد.

۳- در مسیر مصرف سرمایه انحراف ایجاد می‌گردد

۴- جوامع سرکوب کننده در تطبیق با روند تغییرات جهانی ناتوان خواهند شد.

۵- جابجایی‌ها، کشمکشها و بی‌ثباتی که نتیجه این گونه امور و دیگر عوامل می‌باشند، به وجود می‌آیند.

آمریکاییها باید دید خود را نسبت به جهان گسترش دهند زیرا عدم موفقیت در انجام چنین کاری یا اتخاذ سیاست "زندگی کن و اجازه زندگی کردن بده" ^{۳۱} سبب واگذاری فرایند به دست افراد دیگری می‌شود که فعالیت‌های آنان همیشه سود دهی ندارد. استفاده از ابزار عصر اطلاعات، برای افزایش بیش از حد صلح‌آمیزترین و قدرتمندترین لوازم گسترش دهنده منافع آمریکاست.

اگر در حال حاضر آمریکاییها در جهانی زندگی می‌کنند که اندیشه‌ها و عقاید بطور مؤثر منتقل می‌شوند و سیستم‌های پخش رسانه‌ای پیشرفته و قدرتمندی در آن وجود دارد، آنها باید به این مسأله بسیار نگران کننده پی می‌بردند که ممکن است این مسایل تهدیدی علیه منافع آمریکا، صلح منطقه‌ای، بازار آمریکائی و توانایی رهبری آمریکا باشند. (اگر چه رهبران خارجی شیوه‌هایی را اتخاذ می‌کنند که جدائی طلبی و خطوط جداساز فرهنگی را تقویت می‌نمایند) مسلماً این گونه است. نسبت گرایی به مناسبت پرده‌ای است و افرادی که از

بررسی موشکافانه اجتناب می‌کنند، می‌توانند در پشت آن پنهان شوند. چه آمریکاییها نظریات هانتینگتون را قبول کنند و یا قبول نکنند، آنها باید متوجه این مسأله بشوند که هر چه اختلافات فرهنگی - ارزشی در جهان گسترده تر گردد، احتمال بروز تعارض بیشتر می‌شود.

همچنین این که آمریکا

حدود خود را تشخیص دهد،

امر بسیار مهمی است.

آمریکاییها می‌توانند تأثیری

بیشتر از دیگران داشته باشند،

اما همه نتایج را نمی‌توانند

تضمین کنند. به بیان دقیقتر

تلاش جهت دار برای

شکل‌دهی به پیشرفت

زیرساختهای جهانی اطلاعات

و افکار بساید منحصرأ در

چارچوب سیاست گسترده خارجی و خط مشی امنیتی

ظاهر شود. (از آنجا که این سیاست احتمال ندارد یک

ابتکار عمل عامه پسند یا متعالی باشد، لذا نباید به عنوان

رویکردی که بخشی از تلاشهای سیاست کلان آمریکا را

تشکیل دهد، محسوب گردد).

البته اجرای چنین رویکردی در کشوری مثل آمریکا -

که به علت واکنش و عکس العمل شدید در مقابل مسأله

جهانی شدن ویران شده است - آسان نیست. امروزه،

تعداد زیادی از جناحهای چپ و راست از هر دو حزب

بزرگ سیاسی در یک اتحادیه انزو اگر جمع شده‌اند. این

اتحادیه، موانعی را در طول شصت سال گسترش تجارت

آزاد، به وجود آورده‌اند؛ با روابط بحرانی جدیدی که با

بعضی کشورها مثل چین و دیگر بازارهای در حال

پیدایش برقرار کرده است، بیشتر بر امر تهدید متمرکز

شده تا بر تعهد، و از تمام فرصتهای موجود برای جدا

کردن آمریکا از جهان یا برای از بین بردن قدرت رهبری

آن، استفاده کرده‌اند. غلبه بر مخالفت‌های

سیاسی ملی گرایان اقتصادی و جدایی طلبان

جدید، مستلزم تلاش جدی رئیس‌جمهور و

همکارانش در کاخ سفید می‌باشد. اگر رهبران

آمریکا صرفاً سیاست مخالفت حداقلی را دنبال کنند

یا به اقدامات انجام شده در گذشته تکیه نمایند، این امر

تحقق نخواهد یافت. چنانچه مقامات حکومتی، سیاست

گذاری را بر حاکمیت ترجیح دهند، این ریسک منجر به

شکست آمریکا یا ازدیاد مبارزه طلبی می‌شود. در حالی

که در دوره ریاست جمهوری کلینتون، گام مهمی برای

توسعه ابتکار عمل آمریکا در پی ریزی زیرساخت جهانی

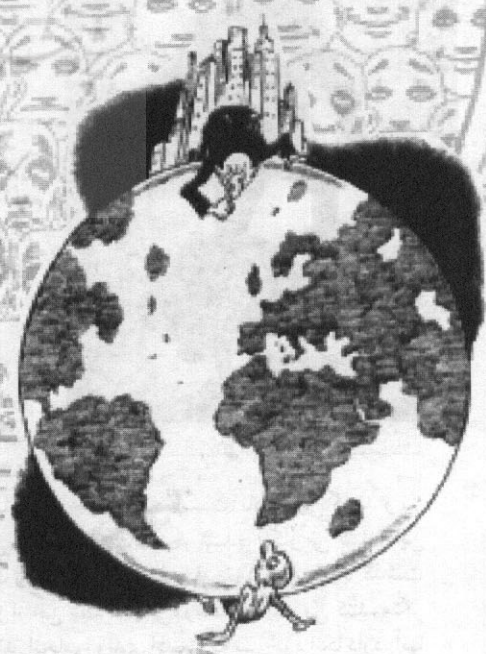
اطلاعات و در بررسی آینده اینترنت، کدگذاری

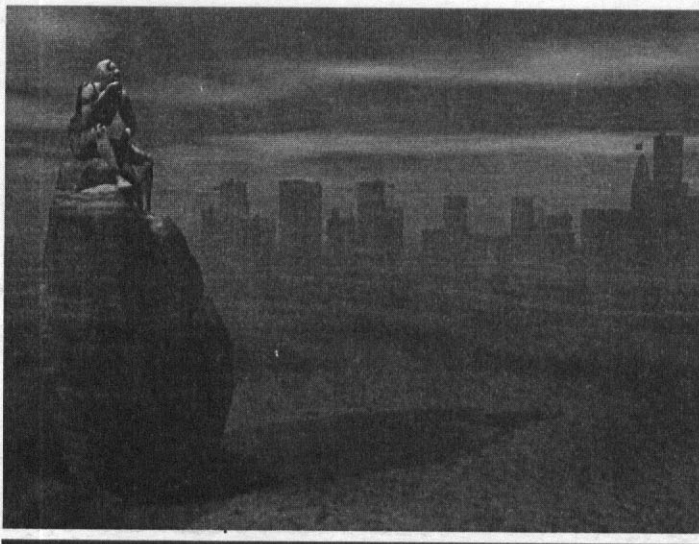
موضوعات و ضرورتهای مالکیت معنوی،

**چنانچه مقامات حکومتی
سیاست گذاری را بر
حاکمیت ترجیح دهند، این
ریسک منجر به شکست
آمریکا یا ازدیاد مبارزه طلبی
می‌شود.**

انبار اطلاعات

۴۲

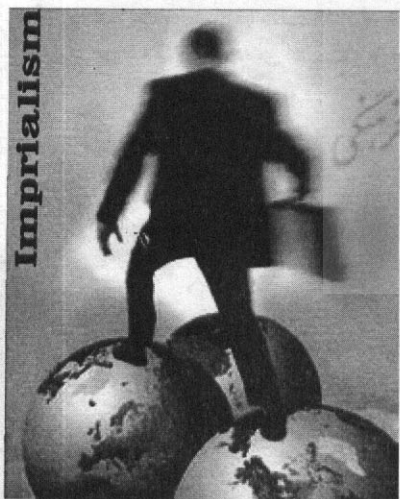




شاید این مسأله بزرگترین چالش راهبردی باشد.

هویت بدون فرهنگ^{۳۳}

فرصت در اختیار ما آمریکاییها قرار دارد. ایالات متحده در موقعیتی است که نه فقط قرن بیستم را به عنوان قدرت مسلط عصر اطلاعات رهبری می کند، بلکه موانعی را برطرف می سازد که باعث جدایی ملتها از یکدیگر می شوند، و با ایجاد قید و بندهایی، منافع بیشتری را در میان جوامع بزرگتر به اشتراک می گذارد. آنهایی که به دوره گذشته جنگ سرد و برخورد تمدنها چشم دوخته اند، فقط به یک امکان مشاهده می کنند. آنها گامهای



آنهايي که به دوره گذشته جنگ سرد و برخورد تمدنها چشم دوخته اند گامهاي بزرگي را که باعث پيوند ميليونها نفر در جهان شده است، نادیده می گیرند و نیز عواملی را که به اتحاد منجر شده، انکار می کنند.

بزرگی را که باعث پیوند

میلیونها نفر در جهان شده است، نادیده می گیرند و نیز عواملی را که به اتحاد منجر شده، انکار می کنند و این حقیقت را که آن عوامل بطور قدرتمندی همراه با گذشت هر روز از این عصر جهانی، رشد پیدا می کنند، منکر می شوند. اتحاد، روندی است که بر خود اتکا دارد. آنها فقط از این امر سخن می گویند که آمریکا باید برای

برداشته شده است، این تلاشها فاقد بودجه کافی هستند، و گاهی به سمت اهداف سیاسی و حتی اهداف استراتژیک، هدایت می شوند. این اهداف سیاسی، کوتاه بینانه بوده - بویژه درباره اقدامات نگران کننده ای که در مورد رمزگذاری اطلاعات انجام می شود زیرا در آنها به تغییر و تحولات سریع تقاضاهای بازار توجهی نمی شود - و از انطباق و هماهنگی کمتری برخوردار می باشد. در همان زمان برخی از قدرتمندترین ابزارهای آمریکایی مداخله گر - که در شکل ابستکار عمل تجاری جدید ظاهر می شوند - ظاهرأ به کنار گذاشته شده اند. این مشکل به روشنی در این حقیقت متبلور شده است که

راهکارهای سریعی برای مذاکرات حکومتی درباره تصویب طرح، ارائه نشده است و در واقع کنگره، این طرح را پیش از تغییر قرن، تصویب نمی کند.

کلیتون و جانشینانش باید بدقت به استلزامات بلند مدت جهانی شدن توجه کنند. مانند: اثر افزایش بازارهای جدید بر قدرت اقتصاد آمریکا و این که چگونه آمریکا می تواند نقش رهبری خود را حفظ کند. جنبه های مختلف فرهنگ آمریکایی نقش مهمی را در تضمین تداوم آن رهبری ایفا می کند. وجود فرهنگهای گوناگون باعث شده است که این کشور از منابع و قدرت بیشتری برای تسلط بر جهان برخوردار بوده و نیز امکان برقراری

ارتباط بیشتر با بازارهای آینده و جهانی را داشته باشد. تأکید آمریکا بر فرد فرد جامعه، ادامه تسلط نوآوری آمریکائی را بر دیگر کشورها تضمین خواهد کرد. دو عامل سبب موفقیت آمریکا بوده است:

الکساندر هانسون

۱- این حقیقت که

پدیده "Pax

"Americana" نتایج اخیر

جهانی شدن است

۲- در اختیار گرفتن رهبری بلامنازع

در تأسیس مؤسسات بین المللی از قبیل: سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول. بنابراین، آمریکا برای همه چالشهایی که در مسیر اصلاحات و تغییرات بوجود می آید، تجربه بیشتری نسبت به کشورها در محیط جهانی دارد؛ همچنین اگر چه برخی، از تأکید آمریکا بر مسأله "تجدد"^{۳۴} انتقاد می کنند و آن را نتیجه فقدان پشتوانه تاریخی و فرهنگ سالم می دانند، ولیکن این درست همان چیزی است که آمریکا را به بهترین شکل ممکن با سرعت تغییرات هماهنگ می سازد و

با انتخابی بین رهبری جهانی آرامتر یا گرفتاری در یک جهان مملو از خشونت مواجه باشد.

پی نوشتها:

- ۱ - David Rothkop سرپرستی Kissinger Associates را بر عهده دارد و استاد یار امور بین الملل در دانشگاه کالیفرنیا می باشد. وی در اولین دوره ریاست جمهوری کلینتون، وزیر تجارت ایالات متحده آمریکا بود.
- ۲ - دانشجوی دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام.



- 3 - Foreign
- 4 - Danger
- 5 - Information Age
- 6 - Culture and Conflict
- 7 - webster
- 8 - Samuel Huntington
- 9 - The Clash of Civilizations
- 10 - Religious uarfare
- 11- Ethnic conflict
- 12 - Culture Cousins
- 13 - Quasi-Culture Conflict
- 14 - Cold war
- 15 - Godless communists
- 16 - Corrupt Capitalists
- 17 - Joseph Gobbles
- 18 - Hitler
- 19 - Satellites As Cultural Death Stare
- 20 - Orwellian
- 21 - Multicultural societies
- 22 - Indispensable nation
- 23 - Metaphors
- 24 - News pollution
- 25 - World Trade Organization
- 26 - Toward a Global Culture
- 27 - World's information infrastructure
- 28 - Inforphere
- 29 - Exporting the American Model
- 30 - Reperssion
- 31- Live and let live
- 32 - Newness
- 33 - Identity Without Culture

تعارضاتی که ممکن است در آغاز دوره ایجاد شود، آماده باشد بدون توجه به این که آمریکا باید با هر وسیله ممکن در ورود به عصر جدید شتاب کند.

یقیناً انتظار موقعیت وسیع در پرهیز از تعارضات در میان فرهنگها، ساده انگارانه است. اما، اکنون ابزاری در اختیار داریم که می تواند اختلافات بین فرهنگها را کمتر سازد. در حالی که ما باید برای تعارض و اختلاف آماده باشیم و همچنین به یاد داشته باشیم که تحقق منافع ما در گرو تلاش برای اتحاد، متحدالشکل کردن فرهنگها، تضمین حقوق فردی و پیشرفت ثبات بین المللی می باشد؛ البته ناگفته نماند که این بهترین و آخرین سیاست و عمل با منفعت شخصی است.

اگر ما سرعت واکنش شدیدی علیه جهانی شدن از خود نشان بدهیم، بتدریج توانایی آمریکا در گسترش منافع شخصی، کاهش می باشد. آمریکا باینها باید به این نتیجه برسند که منافع آنها در این بخش،

ایالات متحده با انتخابی بین رهبری جهانی آرامتر یا گرفتاری در یک جهان مملو از خشونت مواجه است .

توجه به رشته هایی از قبیل: اقتصاد، سیاست، علوم و فرهنگ می باشد. بنابراین، یک رویکرد میان رشته ای به سیاست گذاری بین المللی نیاز دارد. همچنین ما باید وسایل جدیدی را که در اختیار داریم بشناسیم و اهمیت و ماهیت پدیده جدید "جو اطلاعاتی" و قدرت بالقوه اش را به عنوان فرایند فرهنگی عظیم شکل یافته، صاحب قدرت دموکراتیک، اتصال دهنده جهان و رابط نهایی درک نماییم. علاوه بر این، اتخاذ و اجرای سیاستهای درست در بکارگیری ابزار جدید، کافی نیست. سیاستگذاران باید بهتر با انتظارات و تعهدات این دنیای جدید رابطه برقرار نمایند و سهم آمریکا را در آن مشخص سازند. نقش آمریکا باید منجر به پیروزی این کشور گردد. ایالات متحده با یک انتخاب ساده بین وحدت و جدایی، عقب نشینی و نبرد، مواجه نیست بلکه